

بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران

رهبر طالعی حور*

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران با آمریکا در بیش از چهار دهه گذشته رابطه پرتنش بوده و در این مدت آمریکا از هیچ تلاشی برای مقابله و تهدید ایران مضایقه نکرده و در دوره‌های مختلف الگوی رفتاری تعارضی آمریکا فراز و نشیب‌هایی داشته است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران چه تفاوت و شباهت‌هایی داشته است؟ یافته‌های پژوهش با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تحلیل گفتارها، مکتوبات و مواضع اعلامی هر دو رئیس جمهور و اطرافیان آنها در دولت و نهادهای فکری، بیانگر این است که تهدید و چالش بودن ایران برای منافع آمریکا و ضرورت مقابله با آن وجه تشابه در انگاره هر دو رئیس جمهور بوده ولی در رویکرد مقابله‌ای آنها تفاوت‌هایی وجود دارد که ترامپ رویکرد فشار حداکثری با هدف تغییر نظام و بایدن رویکرد متعادل‌تری را با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران دنبال کرده‌اند.

واژگان کلیدی

ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، دونالد ترامپ، جو بایدن.

طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های جهانی و اهداف ضدامپریالیستی، در منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج فارس، باعث شد نظام هنجاری، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدیدی در کشور حاکم شود که این تغییرات مهم، زمینه‌ساز الگوی رفتاری متفاوت نسبت به گذشته شده است. رویکرد تعبیر وضع موجود و ماهیت انقلابی نظام حاکم در ایران، موجب شد قدرت‌های بزرگ در برابر این نظام، سیاست تقابلی را بکار گیرند و الگوی رفتاری تعاملی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در روابط ایران و آمریکا حاکم بود، جای خود را به الگوی تعارض و واگرایی داد که با گذشت چندین دهه، این الگوی رفتاری همچنان در روابط دو کشور حاکم است.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، هشت رئیس جمهور در آمریکا روی کار آمده‌اند که یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی همه آن‌ها، جمهوری اسلامی ایران بوده و برای مقابله با آن در طول چهار دهه گذشته راهبردهای مختلفی را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به کار گرفته‌اند و با گذشت زمان، تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نه تنها وضعیتی تقلیل‌گرایانه نداشته بلکه جنبه انباشتی به خود گرفته است. یکی از روش‌های درک بهتر سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، بررسی مقایسه‌ای آن سیاست‌ها در زمان رؤسای جمهور مختلف بوده که در این پژوهش در نظر است رویکرد سیاست خارجی دونالد ترامپ و جو بایدن که از دو حزب متفاوت در مسند قدرت قرار گرفته‌اند، بررسی شود. بنابراین سؤال اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که رویکرد سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران چه تفاوت و شباهت‌هایی داشته است؟ در پاسخ به سؤال پژوهش فرضیه به این صورت طرح می‌گردد که تهدید و چالش بودن ایران برای منافع آمریکا و ضرورت مقابله با آن، وجه تشابه در انگاره هر دو رئیس جمهور بوده ولی در رویکرد مقابله‌ای آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد که ترامپ رویکرد فشار حداکثری با هدف تغییر نظام و بایدن رویکرد متعادل‌تری را با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران دنبال کرده‌اند. درخصوص اهمیت و ضرورت تحقیق می‌توان گفت: با وجود اینکه دولت‌های مختلف آمریکا در تعریف کلی از جمهوری اسلامی ایران دارای اشتراک نظر هستند اما در رویکردها و نوع مقابله و شدت آن با همدیگر اختلاف نظر دارند که فهم درست رویکردها و سیاست‌های آن کشور از سوی دولتمردان ایرانی برای طراحی اقدام متقابل و در عین حال هوشمند دارای اهمیت بوده و به دلیل اینکه مقایسه‌ای در سیاست خارجی دولت ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران انجام نشده، پرداختن به این موضوع ضرورت دارد.

پیشینه تحقیق

حاجیانی و کیانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «آینده مواجهه ایران و آمریکا در دولت بایدن» اشاره می‌کنند که سناریوی محتمل، توافق هسته‌ای و رقابت منطقه‌ای است که در آن برخی اهداف بازیگران به‌طور نسبی محقق می‌شود. زیرا هم ایران با رفع تحریم‌ها تا حدی عمق راهبردی خود را بهبود می‌بخشد و هم آمریکا از رشد برنامه هسته‌ای ایران جلوگیری می‌کند.

مزدخواه و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «گذار از بلوغ تقابل به الگوی تعامل نئولیبرال؛ تأملی مقایسه‌ای به سیاست خارجی ترامپ و بایدن» این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که سیاست خارجی آمریکا از دوران ترامپ تا بایدن در الگوهای رفتاری از بلوغ تقابل به مدل رفتاری تعاملی در محور رئالیسم مشروط به همکاری، گذار پیدا کرده است.

شمولی و دولت آبادی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در دولت جو بایدن؛ از سیاست ژئوپلیتیک‌زدایی تا مشروعیت‌زدایی» نتیجه می‌گیرند که هدف آمریکا از به‌کارگیری این دو سیاست طی یک فرایند سینوسی و فرمایشی، تهی‌سازی و اعتبارزدایی از نظام سیاسی ایران در دو سطح داخل و خارج و تهی‌سازی ظرفیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران است. توری تاسیگ^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ایالات متحده در سال ۲۰۲۱: پنج اولویت برای اجرای سیاست خارجی» اشاره می‌کند که منطق سیاست خارجی آمریکا در دوران بایدن دارای اولویت‌های اساسی و راهبردی است که الگوی رفتاری مشروط به همکاری را در نظام بین‌الملل به عنوان دکنترین در پیش گرفته است.

رادفر و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران» به این موضوع اشاره کرده‌اند که سیاست هسته‌ای بایدن نیز بر پایه پیوند موضوعی و مرحله‌ای مبنی بر بازگشت به برجام در گام نخست، تقویت و توسعه مفاد و طولانی‌تر کردن زمان آن در گام دوم و تسری آن به برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران در گام سوم است.

یزدان فام (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده است که دولت ترامپ به‌دلیل ایجاد شکاف‌های سیاسی و ساختاری در داخل آمریکا و بی‌توجهی به بنیان‌های تاریخی نظام بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا در تأمین اهداف و منافع آمریکا، با موانع و مشکلات بزرگی روبرو شده و ناگزیر به تعدیل در مواضع اعلامی خود در سیاست خارجی خواهد شد.

1. Torrey Taussig.

در بحث پیشینه‌ها می‌توان گفت، کتاب و مقالات متعددی در خصوص روابط ایران و آمریکا نوشته شده و رفتار تعارضی دو کشور مورد توجه قرار گرفته است و در این پیشینه‌ها به سیاست خارجی هریک از رؤسای جمهور به صورت جداگانه پرداخته شده ولی مقایسه سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار نگرفته و همین موضوع جنبه نوآوری این مقاله نسبت به پیشینه‌ها خواهد بود.

چارچوب مفهومی: راهبرد مهار

راهبرد مهار در تاریخ بین‌الملل در دکترین مونروئه^۱ (۱۸۲۳) و تأکید آمریکا بر مقابله با تلاش کشورهای اروپایی برای تقویت خود در نیمکره غربی، در نیمه دوم قرن ۱۹ از سوی آلمان دوره بیسمارک در رابطه با فرانسه از طریق دخالت در امور داخلی همسایگان آن (بلژیک، اسپانیا و ایتالیا)، در ابتدای قرن ۲۰ از سوی دولت‌های اروپایی علیه انقلاب بلشویکی و تلاش بلشویک‌ها برای صدور انقلاب و در دهه ۱۹۳۰ از سوی دولت‌های اروپایی برای مهار آلمان نازی به کار بسته شده است (نوری، ۱۳۹۸: ۲۵۱ / ۲). اما مهم‌ترین نمونه کاربست راهبرد مهار از سوی آمریکا علیه کمونیسم است که بر پایه اندیشه‌های جورج کنان^۲ مطرح شد. این سیاست در دکترین ترومن در سال ۱۹۴۷ که کمک فوری اقتصادی و نظامی به یونان و ترکیه را تضمین می‌کرد و در دکترین آیزنهاور در سال ۱۹۵۷ که وعده کمک نظامی و اقتصادی به کشورهای خاورمیانه که در برابر کمونیسم مقاومت می‌کردند، به اجرا درآمد.

راهبرد مهار به کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و حقوقی گفته می‌شود که قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل اغلب به منظور محدود کردن تحرک منطقه‌ای، کاهش توان کنشگری و انزوای سیاسی و اقتصادی یک قدرت رقیب انجام می‌دهند (Entessar&Afrasiab, 2019: 5 - 6) به تعبیر دیگر، راهبرد مهار رویکردی تهاجمی با هدف تعریف محدوده برای حریف در مرزهای مشخص (جغرافیایی، توان نظامی، ژئوپلیتیکی و ...) منزوی کردن، کاهش توانمندی‌ها و در صورت نیاز، فروپاشی آن از درون، از طریق تهدید و اجبار است. برخلاف بازدارندگی که بیشتر از سوی قدرت‌های هم‌سان علیه هم یا قدرت کوچک‌تر علیه تهدید دول بزرگ‌تر اعمال می‌شود، مهار سیاستی بیشتر از سوی یک قدرت بزرگ علیه قدرت بزرگ دیگر یا کوچک‌تر است، به نحوی که امکان تهدید علیه منافع اصلی و حیاتی آن را نداشته باشد. (نوری، ۱۳۹۸: ۲۵۱ / ۲)

1. Monroe Doctrine.

2. George Kennan.

طرح کلی سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ

ترامپ با طرح شعار و رهیافت نخست آمریکا که بر مبنای اولویت یافتن منافع آمریکا در ابعاد داخلی و خارجی بود، خوانشی جدید از سیاست خارجی آمریکا ارائه داد. او با توجه به دیدگاه‌های مرکانتلیستی خود در حوزه مراودات اقتصادی، اکثر موافقت‌نامه‌های امضا شده توسط آمریکا را به ضرر منافع اقتصادی - امنیتی ایالات متحده می‌دانست، به همین دلیل ضرورت جدید ایجاد می‌کرد که آمریکا در این پیمان‌نامه‌های سراسر ضرر و زیان برای آمریکا حضور نداشته باشد. (Cox and Stokes, 2018: 171) گسترش نیروی نظامی - امنیتی با منطق واقع‌گرایی و برتری‌جویی، از دیگر راهبردهای ترامپ در سیاست خارجی می‌باشد. ترامپ ضمن بیشینه‌سازی قدرت تهاجمی آمریکا و افزایش بودجه نهادهایی چون پنتاگون و توجه به ایده صلح از طریق امنیت، در صدد بوده است تا گفتمان بلوغ تقابل خود را به عنوان یک عنصر رفتار ساز پیگیری نماید. (مزدخواه و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰ / ۵)

طرح کلی سیاست خارجی آمریکا در دوره بایدن

در گفتاری تئوریک، فهم منطق سیاست خارجی بایدن در خوانش گفتمانی تعامل‌محور است. دستگاه سیاست خارجی بایدن با گذار از فقدان راهبردی در روابط خارجی، دکترین مدیریت، بازسازی و تعامل را برای بازگشت ثبات در نظام بین‌الملل در پیش گرفت و این الگوی رفتاری چیزی جز اتحادسازی، برقراری ائتلاف با متحدان، افزایش قدرت دیپلماسی چند جانبه‌گرایی نمی‌باشد. (مزدخواه و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۸ / ۵) بنابراین محوریت سیاست خارجی آمریکا در دوران بایدن مبتنی بر همکاری‌های چندجانبه و پشتیبانی کامل از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت بازیابی مشروعیت جهانی آمریکا، اجماع و همکاری در برابر تهدیدات، بازگشت به پیمان‌نامه‌ها، توجه به اشاعه دموکراسی در جهان، تمدید پیمان کاهش تسلیحات استراتژیک روسیه به عنوان منطق امکانی سیاسی خارجی آمریکا است. (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۳۴ - ۲۳۱ / ۹۰)

وجه تفاوت سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران

۱. رویکرد سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران

با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، تقابل آمریکا با ایران وارد مرحله جدیدی گردید. ترامپ با رویکردی رئالیستی به دنبال تضعیف روزافزون ایران برآمد. در این دوره، ایران بیش از گذشته در هسته مرکزی سیاست امنیتی آمریکا قرار گرفت. آمریکا در دوران ترامپ به سیاست مهار و تغییر رژیم در ایران

بازگشت. در این راستا دولت ترامپ به دنبال اعمال سیاستی مشابه سیاست ریگان در قبال شوروی در برابر ایران بود. برخی از افراد دولت ترامپ و همچنین نهادهای فکری نزدیک به ترامپ معتقد بودند حکومت ایران شرایطی مشابه شوروی در دهه ۱۹۸۰ دارد و می‌توان با در پیش گرفتن رویکردی ریگانی، به فروپاشی آن کمک کرد. پمپئو رئیس سابق سیا و وزیر خارجه ترامپ در مقاله‌ای که در مجله «فارن پالیسی» تحت‌عنوان «تقابل با ایران؛ استراتژی دولت ترامپ» منتشر کرد، اشاره‌هایی در باب مقایسه جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی داشت. او در این مقاله ضمن بیان اینکه «رئیس‌جمهور آمریکا، رونالد ریگان، زمانی که از شوروی به عنوان «امپراتوری شیطانی» یاد می‌کرد، نسبت به قدرت افشاگری آگاه بود»، همین رویکرد را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نیز مفید دانسته و می‌نویسد: «ما سوءاستفاده‌های حکومت ایران را افشا می‌کنیم». پمپئو همچنین می‌نویسد: «استفاده از ترکیبی وضوح اخلاقی و شدت دیپلماتیک شرایط شکل‌گیری گفتگوهای ریکجاوم در سال ۱۹۸۶ و بعداً، فروپاشی خود کمونیسم شوروی را فراهم کرد». (Pompeo, 2018)

بسیاری از شعارها، استدلال‌ها و اقدامات ترامپ ابتدا از سوی محققان «بنیاد دفاع از دموکراسی»^۱ که یکی از اتاق فکرهای نزدیک به ترامپ بود، طرح شده بودند. حتی بسیاری از واژه‌ها و مفاهیمی که ترامپ و برخی دیگر از مقامات دولت او در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و توافق هسته‌ای برجام به کار بردند، ساخته و پرداخته بنیاد دفاع از دموکراسی است. (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۷۳ / ۳)

مارک دوبوویتز،^۲ مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی، در ماه مارس ۲۰۱۷. م در یادداشتی با عنوان «توهم هسته‌ای ایران» اشاره می‌کند: «آقای ترامپ باید به شیوه‌ای که رونالد ریگان با شوروی رفتار کرد، با تهدید ایران برخورد کند. در اوایل دهه ۱۹۸۰. م ریگان به شورای امنیت ملی خود دستور داد برنامه تهاجم همه‌جانبه‌ای برای تضعیف شوروی طراحی کنند. شورای امنیت ملی ترامپ نیاز به چنین برنامه‌ای دارد که از ابزارهای آشکار و پنهان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، مالی، سیاسی، دیپلماتیک، سایبری و قدرت نظامی برای تخریب و کاهش تهدید ایران استفاده کند. دولت ترامپ نیاز دارد با همکاری کنگره، تحریم‌ها علیه رژیم را به دلیل حمایت ایران از تروریسم، توسعه موشک‌های بالستیک، سوءاستفاده‌های حقوق بشری، جنایات جنگی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌ساز در خاورمیانه تشدید کند». (Dubowitz, March 23, 2017)

رئول مارک گرچت،^۳ از پژوهشگران بنیاد دفاع از دموکراسی با همکاری ری تکیه در اکتبر ۲۰۱۷. م

1. Foundation for Defense of Democracies.
2. Mark Dubowitz.
3. Reuel Marc Gerech.

نیز در یادداشتی در «*ووال استریت*» ادعا کردند که حکومت دینی ایران هم اکنون «شبهه اتحاد شوروی در روزهای پایانی حیاتش است» آن دو با اشاره به تجربه کارتر و ریگان در برخورد با شوروی، عنوان کرده‌اند: «جیمی کارتر و اکثریت حزب دموکرات خواستار زندگی مسالمت‌آمیز با شوروی بودند، اما رونالد ریگان با راه انداختن جنگ اقتصادی، تقویت مخالفان و محدود کردن مرزهای امپریالیستی شوروی، به فروپاشی حزب کمونیست کمک کرد. ترامپ باید از الگوی ریگان و نه کارتر پیروی کند. ترامپ باید با برگرفتن مدل ریگان، به‌طور مستقیم با مردم ایران سخن بگوید و از رژیم نامشروع‌شان انتقاد کند. واشینگتن باید بار تحریم‌های فلج‌کننده‌ای برای مقابله با شبکه حامی ملاها، که برای قدرت‌شان اهمیت اساسی دارد، تحمیل نماید، فرمولی که منجر به فروپاشی امپراتوری قدرتمند شوروی شد». (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۷۲ / ۳) بنابراین با توجه به تأثیرگذاری این نهادها در سیاست‌های ترامپ و همچنین به کارگیری افرادی همچون جان بولتون و پمپئو از سوی وی که موافق تغییر نظام در ایران بودند، رویکرد سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران رویکرد فشار حداکثری با هدف تغییر نظام بوده که برای تحقق این هدف سیاست‌های زیر را بکارگرفت:

یک. ایران‌هراسی و بازسازی تصویر اهریمنی از ایران

ایران‌هراسی یکی از برنامه‌های راهبردی ترامپ به منظور برساخت تهدیدی بزرگ از ایران در منطقه و فراتر از آن، تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت جهانی بود. ترامپ در سخنرانی‌های خود تلاش می‌کرد جمهوری اسلامی ایران را عامل همه خرابی‌ها و بدی‌ها در منطقه و حتی جهان نشان دهد. ترامپ در این زمینه حتی از جورج بوش هم فراتر رفته و اتهامات واهی جدید علیه ایران طرح کرد. او دائماً از واژه‌هایی مانند «رژیم» یا «دیکتاتوری» به جای جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کرد و سعی می‌کرد ایران را معادل رژیمی خرابکار و بدسرشت برای دنیا تصویر کند. ترامپ از اتهاماتی همچون همکاری پنهانی با کره شمالی، دیکتاتوری در داخل، ثبات‌زدایی در منطقه، حمایت از تروریسم، تهدیدات موشکی علیه دیگران، توسعه‌طلبی منطقه‌ای و انجام حملات سایبری در فضای مجازی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در راستای هدف خویش استفاده می‌کرد. (یزدان‌فام، ۱۳۹۶: ۱۸۳ - ۱۸۲ / ۷۴)

در سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۱۷، راهبرد اصلی دولت ترامپ در خاورمیانه برجسته سازی تهدید ایران است. ترامپ تلاش نمود تهدید ایران را برساخته تا از این طریق به ایران‌هراسی دامن بزند. او فعالیت همه سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه را مستقیم و غیرمستقیم به ایران نسبت می‌داد و بر لزوم وحدت کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بر ضد تروریسم و حامی دولتی آن (که به قول آنها ایران است) تأکید می‌کرد. در سند راهبردی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸، هفده

بار به کلمه ایران اشاره شده است که آن را می‌توان ذیل پنج شاخص بی‌ثباتی، تهدید موشکی، برنامه هسته‌ای، تروریسم و حملات سایبری تقسیم کرد. در این سند نیز بیشترین توجه به نقش بی‌ثبات‌کنندگی ایران در منطقه بوده است. در سند استراتژی دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸، شش مرتبه از ایران به عنوان «رژیمی یاغی» در کنار کره شمالی یاد شده است که حامی تروریسم و مروج خشونت است که مهم‌ترین چالش برای ثبات در خاورمیانه است. (خداوردی و غفاری چراتی، ۱۳۹۹: ۲۲ / ۱۳)

ایران‌هراسی ترامپ موجب افول جایگاه ایران در افکار عمومی جهان شد. براساس نظرسنجی که مؤسسه تحقیقات پیو^۱ انجام داد، از میان ۳۹ کشوری که نظرسنجی در آنها به عمل آمد، تنها دو کشور پاکستان و اندونزی، بیش از نیمی از مردم درباره ایران نظری مثبت داشتند. بیشترین نظر منفی به ایران در اسرائیل، کشورهای اروپای غربی و آمریکا با فراوانی بیش از ۸۰ درصد گزارش شد. در میان کشورهای اسلامی، اردن با ۸۱ درصد نظر منفی و مصر با ۷۸ درصد، ترکیه با ۶۸ درصد، لبنان با ۶۰ درصد و فلسطین با ۵۵ درصد در رده‌های بعدی قرار داشتند. (Zainulbhai & Wike, 2015)

دو. خروج از برجام

ترامپ از همان ابتدای مواضع اعلامی خود، نگرش مثبتی به توافق هسته‌ای نداشت و آن را بدترین توافق ممکن تاریخ غرب با ایران می‌دانست. همین نگرش، میل او را برای برهم زدن نظم موجود بر برجام و سرانجام خروج از آن افزایش داده بود. ترامپ، اوباما را به دلیل عدم توانایی در ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای شرکت‌های آمریکایی در ایران و عدم گنجاندن نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های موشکی ایران در این توافق، مورد عتاب شدید قرار داد و در کارزارهای انتخاباتی خود وعده داد که در صورت تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری، از برجام خارج خواهد شد و از طریق اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی، ایران را مجبور به پذیرش خواسته‌های خود خواهد نمود. بنابراین پس از اینکه وارد کاخ سفید شد در ۸ می ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و مایک پمپئو در سخنرانی خود در بنیاد هریتیج در واشنگتن، ۱۲ شرط را برای دستیابی به توافق جدید با ایران مطرح کرد. (نجاتی و محمدی، ۱۳۹۸: ۱۵ - ۱۴۸ / ۸)

سه. تحریم اقتصادی همه‌جانبه

تحریم‌های اقتصادی آمریکا در زمان ترامپ با جدیت بیشتری ادامه پیدا کرد و وی با اعلام اینکه برجام توافق بدی برای آمریکا است از آن خارج و تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران وضع کرد. ترامپ معتقد بود در زمانی که ایران در اثر تحریم‌ها در حال نابودی بود، اوباما با تن دادن به مذاکره

1. PEW Research Center.

و توافق هسته‌ای، آن را از شکست حتمی نجات داد. در این راستا هدف ترامپ، بازگشت به دوره قبل از برجام و تضعیف توان و قدرت ملی ایران از طریق اعمال تحریم‌های همه‌جانبه بود. در دوره ترامپ، اعمال تحریم‌ها علیه ایران شدت گرفت به طوری که مشاور امنیت ملی او اعلام کرد تحریم‌های آمریکا آنقدر افزایش خواهند یافت تا استخوان‌های ایران خرد شود. (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹ / ۱)

اعمال تحریم بر پنج اصل اساسی استوار بود: فلج‌سازی، تعمیم، هوشمندسازی، تجمیع تهدیدات و اجماع‌سازی. در اصل هوشمندسازی، شناسایی و تحریم بخش آسیب‌پذیر کشور مورد توجه قرار گرفت. در حوزه اجماع‌سازی، تلاش شد اجماعی در بین هم‌پیمانان و کشورهای منطقه شکل بگیرد. بر اساس اصل همراه‌سازی، آمریکا با مشارکت متحدانش در اتحادیه اروپا و شرق آسیا، تلاش کرد شعاع جغرافیایی تحریم‌ها را گسترش دهد. اصل تجمیع تهدیدها نیز به مفهوم اعمال محدودیت‌های هم‌زمان علیه بخش‌های اقتصادی، بانکی، صنایع نظامی و انرژی بود. بر اساس اصل تعمیم، گسترش ابعاد تحریم مورد توجه بود. (زند، ۱۴۰۰: ۲۱۱ / ۱۶) پیام فوری اعمال تحریم‌ها از سوی ترامپ، به چالش کشیدن توان کشور و انزوای اقتصادی بود که منجر به تغییر نظام می‌شد.

چهار. تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سال‌ها بود که بنیاد دفاع از دموکراسی با انتشار مقالات متعدد، برای تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش می‌کرد، که بعد از روی کار آمدن دولت ترامپ، این تلاش‌ها دوچندان شد. گام اول را در این مسیر کنگره آمریکا برداشت و با تصویب قانونی، دولت را ملزم کرد ظرف ۹۰ روز سپاه پاسداران را سازمانی تروریستی اعلام کند. این بار هم ترامپ به نحوی عمل کرد که مدت‌ها قبل بنیاد دفاع از دموکراسی پیشنهاد کرده بود. در مارس ۲۰۱۷. م یعنی ۷ ماه پیش از آنکه ترامپ تصمیمش در این مورد را اعلام کند، دبوویتز در یادداشتی مشترک با «ری تکیه» عضو شورای روابط خارجی آمریکا، نوشته بود: «دولت ترامپ باید بداند که اگر ابتدا سپاه پاسداران را تضعیف نکند، نمی‌تواند ثبات را به غرب آسیا برگرداند و بدین منظور، باید ابتدا امپراطوری مالی این گروه را تعقیب کند. اگر ترامپ برای گنجاندن این سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO)^۱ همچنان با مخالفت روبرو شود، می‌تواند از «فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴» استفاده کند که بوش پس از یازده سپتامبر امضاء کرد و به دولت اختیار می‌دهد دارایی‌های افراد یا گروه‌هایی را که دست به اقدامات تروریستی زده‌اند یا خطر چنین کاری از سوی آنها وجود دارد، بلوکه کند». در ماه اکتبر، ترامپ همین مسیر را پیش گرفت و خزانه‌داری آمریکا سپاه پاسداران را بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ تحت تحریم‌های مرتبط با تروریسم قرار داد.

1. Foreign Terrorist Organizations.

پنج. ترور سردار سلیمانی

ترور سردار سلیمانی یکی دیگر از اقدامات مهم آمریکا برای مهار ایران در منطقه بوده است. آمریکا، سردار سلیمانی و سپاه قدس را عامل اصلی گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و مانع بزرگی در تحقق برنامه‌های واشنگتن در غرب آسیا می‌دانست. علی صوفان، مأمور ویژه سابق اف. بی. آی در گزارش سال ۲۰۱۸ ماهنامه «مرکز مبارزه با تروریسم» وابسته به آکادمی نظامی ایالات متحده موسوم به «وست پوینت»^۱ اشاره می‌کند که یک نفر به عنوان معمار اصلی سیاست‌ها به رسمیت شناخته می‌شود: سرلشکر قاسم سلیمانی، رئیس کهنه‌کار نیروی قدس. اگرچه مردم کشورش به او احترام می‌گذارند و دشمنانش در میدان‌های جنگ در سراسر خاورمیانه از او وحشت دارند، اما در غرب همچنان غالباً ناشناخته است. این در حالی است که اگر بگوییم امروزه بدون درک کامل قاسم سلیمانی، نمی‌توان ایران را درک کرد، حتی اندکی از حق مطلب را هم ادا نکرده‌ایم. سلیمانی، بیش از هر کس دیگری، مسئول ایجاد یک هلال نفوذ (و به قول تهران، «محور مقاومت») برای ایران است که از طریق عراق، سوریه و لبنان، از خلیج عمان تا سواحل شرقی دریای مدیترانه را در بر می‌گیرد. قاسم سلیمانی، اگر اراده نماید، می‌تواند سوار بر خودرویش از تهران راه بیفتد و تا مرز لبنان با اسرائیل بیاید، بدون آنکه کسی خودرویش را متوقف کند». (Soufan, 2018: 11) شهید قاسم سلیمانی در شکل‌گیری جبهه مقاومت و گسترش نفوذ آن در منطقه نقش تأثیرگذاری داشته است. ایشان تجربه زیادی در شیوه‌های مقابله با نفوذ آمریکا و تاکتیک‌های جنگی رژیم صهیونیستی به دست آورده بود و به فردی با تجربه و کارآزموده و مسلط بر مسائل منطقه خاورمیانه تبدیل شده بود. او نه تنها به محور مقاومت قدرت بخشیده بود؛ بلکه در تعامل با دولت‌های عراق و ایران به دنبال یک نوع هماهنگی منطقه‌ای در برابر اقدامات خصمانه آمریکا بود. بنابراین رئیس‌جمهور وقت آمریکا به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ ایران، غافل از تأثیر آن بر انگیزه مضاعف محور مقاومت برای مقابله با آمریکا در منطقه، ترور را انتخاب کرد و در دی ماه ۱۳۹۸ سردار سلیمانی را ترور کرد.

۲. رویکرد سیاست خارجی بایدن در قبال ایران

وجه مسلط سیاست بایدن در برخورد با ایران ماهیت دوگانه دارد: آمریکا از یک‌سو، درصدد متقاعدسازی و ترغیب ایران برای مشارکت با اهداف امنیتی آمریکا است و از سوی دیگر، مترصد فرصتی برای مقابله با قدرت ایران. اوباما در سند راهبرد امنیت ملی خود در سال ۲۰۲۱ ذکر کرد که همچنان مهار ایران و

1. West Point.

مقابله با اقدامات آن را در دستور کار قرار خواهد داد. «ما حضور نظامی خود در منطقه خاورمیانه را برحسب نیاز به شکلی تنظیم خواهیم کرد که جلوی اقدامات تجاوزآمیز ایران را بگیرد و از منافع حیاتی آمریکا محافظت نماید.» (The White House, 2021) بنابراین سیاست خارجی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران هم برگرفته از رویکرد کلی سیاست خارجی آن کشور رویکرد متعادل‌تری با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران بوده که برای تحقق این هدف سیاست‌های زیر را بکار گرفته است:

یک. تأکید بر دیپلماسی

بایدن بر کاربرد دیپلماسی برای رسیدن به توافق هسته‌ای با ایران اشاره می‌کند و به دولت ترامپ می‌تازد که سیاست‌های او منجر به کاهش زمان گریز هسته‌ای ایران به کمتر از چند ماه شده است. بایدن به شدت طرفدار مذاکره مستقیم با کشورهای مخالف آمریکا از جمله چین، کره شمالی و ایران است. به نظر او آمریکا باید این پیش‌فرض را کنار بگذارد که مذاکره به معنای مشروعیت‌زایی برای طرف مذاکره است. (مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۱۲ / ۶۴)

بایدن طرفدار ائتلاف‌سازی بین‌المللی با محوریت آمریکا برای مقابله با تهدیدات از جمله چین و ایران است. در زمینه ایران، یکی از انتقادات بایدن به ترامپ این است که او بدون توجه به متحدان آمریکا از توافق خارج شده است و از این طریق، منجر به تحقیر، تضعیف و حتی در مواردی رها کردن متحدان و شرکای آمریکا شده است. (مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۱۳ / ۶۴)

خوش‌بینی بایدن در امر سیاسی در گفتمان انتخاباتی او آشکار است. یکی از مصادیق خوش‌بینی بایدن به امور بین‌المللی، رویکرد او نسبت به مسئله هسته‌ای ایران است. مواضع خوش‌بینانه بایدن درباره برنامه هسته‌ای ایران در دوره مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۰ ادامه داشت. بایدن در مقاله خود در سی. ان. ان از بازگشت آمریکا به برجام به شرط بازگشت کامل ایران به تعهدات برجامی سخن گفت. او از تلاش آمریکا برای تقویت و توسعه برجام و پرداختن به مسائل دیگر با ایران از جمله برنامه موشکی، زندانیان دو تابعیتی و رعایت مسائل حقوق بشری در داخل ایران سخن می‌گوید. همچنین بایدن بعد از پیروزی در انتخابات همین موضع خوش‌بینانه را در مصاحبه با توماس فریدمن روزنامه‌نگار نیویورک تایمز به نوعی تکرار کرده و گفت: «اگرچه راه سختی برای بازگشت به برجام در پیش است، اما در صورت بازگشت ایران به برجام، آمریکا نیز به عنوان نقطه شروع مذاکرات بعدی به برجام باز می‌گردد و تحریم‌های دوره ترامپ را برمی‌دارد.» (Biden, 2020)

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه بایدن، بر چندجانبه‌گرایی تأکید و اعلام می‌نماید وقتی برنامه هسته‌ای ایران در حال توسعه و پیشرفت بود و روزهایی برای اقدام پیشگیرانه آمریکا وجود نداشت،

دولت اوپاما با همکاری با ۵ کشور دیگر طی چندین سال مذاکره موفق شد تا سخت‌ترین توافق عدم‌اشاعه هسته‌ای و شدیدترین و دقیق‌ترین سیستم راستی‌آزمایی بی‌سابقه را تدارک ببیند. به باور او، آمریکا بدون همکاری و هماهنگی با شرکایش هرگز نمی‌توانست رژیم از تحریم‌های اقتصادی را بر ضد ایران اعمال کند که این کشور را مجبور به پذیرش مذاکرات هسته‌ای کند. همچنین، آمریکا بدون اقدام چندجانبه قادر نبود که برنامه هسته‌ای ایران را چنان تحت نظارت دقیق و شدید قرار دهد که تضمین کند به صورت صلح‌آمیز باقی خواهد ماند. (Blinken, 2016) ویلیام برنز، رئیس سازمان سیا نیز موفقیت آمریکا در متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران در قالب برجام را ناشی از دیپلماسی چندجانبه می‌داند. (Burns, 2019: 380 - 386)

هدف آمریکا از بازگشت به برجام، گشودن راه و آماده کردن بستر لازم برای مذاکره درباره موضوعات دیگری بجز اجرای کامل برجام توسط ایران است. بایدن در یادداشتی که در سپتامبر ۲۰۲۰ در وبگاه سی ان ان نوشت، هدف از بازگشت به برجام را این گونه توضیح داد: ایالات متحده آمریکا به عنوان نقطه آغاز مذاکرات بعدی، به توافق برجام باز خواهد گشت. (تاجیک، ۱۴۰۱: ۳۰ / ۱۱) اگرچه بایدن بر بازگشت به برجام تأکید داشته اما تاکنون در به‌کارگیری اقدام عملی برای جبران رفتار نادرست گذشته کوتاهی کرده است. با این حال دولت وی بر به‌کارگیری دیپلماسی با هدف تغییر رفتار ایران تأکید دارد. ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، در دی ماه سال ۱۴۰۱ اعلام نمود؛ ما معتقدیم که دیپلماسی همچنان مؤثرترین و بادوام‌ترین روشی است که به وسیله آن می‌شود از دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای به صورت کامل جلوگیری کرد.

دو. سیاست گام به گام

بایدن معتقد است در نحوه دستیابی به اهداف سیاسی باید به گام به گام بودن آن توجه کرد. او از هدف‌گذاری گام به گام در قبال مسئله ایران دفاع کرده است. به نظر او در گام اول، باید «رفتار تهدیدآمیز ایران در کوتاه‌مدت پایان یابد» و در گام دوم، روی «تغییرات بلندمدت در ایران کار کرد». جالب است که بایدن و مشاوران او همین رویکرد گام به گام را برای مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوران ریاست جمهوری خود از ژانویه ۲۰۲۱ به بعد پیشنهاد داده‌اند. بایدن و مشاوران او بارها تأکید کرده‌اند که اگر ایران به تعهدات برجامی خود بازگردد، آمریکا نیز در گام اول به برجام برمی‌گردد و تحریم‌ها را لغو می‌کند و در گام دوم تلاش خواهد کرد زمینه تقویت و توسعه برجام را با کمک متحدانش فراهم کند. (مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۱۱ / ۶۴) مقام‌های آمریکایی تسری برجام به برنامه موشکی ایران را بر پایه منطق گام به گام توافقات کنترل تسلیحاتی، طبیعی و بدیهی می‌پندارند. آنان ادعا می‌کنند که برجام

نخستین گام در فرایند مذاکرات کنترل تسلیحات با ایران بود نه آخرین گام؛ همان‌گونه که توافق سالت ۱ و پیمان استارت ۱ بین آمریکا و شوروی به امضای سالت ۲ و استارت ۲ انجامید. برجام اولیه نیز باید به برجام‌های دیگری منجر شود. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، بر این منوط تأکید کرده و ادعا نموده است که مذاکره‌کنندگان ایرانی نیز از ابتدای مذاکرات هسته‌ای در عمان، از این فرایند مرحله‌ای اطلاع داشته‌اند. (USIP, Nov.24,2020) وی در مصاحبه با فرید ذکرینا، دوباره تصریح کرد که پس از بازگشت آمریکا به برجام، برنامه موشکی ایران یکی از دستورکارهای مذاکراتی است. بایدن نیز در مصاحبه با توماس فریدمن گفت که او با مشورت و همکاری با سایر اعضای گروه ۵+۱ وارد مذاکراتی می‌شود که علاوه بر تقویت و تحکیم برجام، برنامه موشکی ایران را هم در بر می‌گیرد. (Friedman, talk with Joe Biden, Des.2,2020)

سه. تأکید بر حقوق بشر

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که دموکرات‌ها نسبت به جمهوری‌خواهان، تمایل بیشتری برای بهره‌گیری از مؤلفه‌های اجتماعی همچون حقوق بشر دارند. (Gates, 2009: 14 / 180) برخی از تحلیل‌گران آمریکایی به دولت بایدن توصیه می‌کنند که بازگشت به برجام و کاهش و لغو تحریم‌های اعمال شده توسط ترامپ را به رعایت و بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران مشروط کند. مسئله حقوق بشر به دو صورت به هم مرتبط در سیاست خارجی بایدن نسبت به ایران نقش‌آفرین خواهد بود. اول، دولت آمریکا تحریم‌های حقوق بشری موجود علیه جمهوری اسلامی ایران را حفظ و حتی تشدید خواهد کرد. دوم، از موضوع حقوق بشر به عنوان اهرم فشار و چانه‌زنی مؤثر برای تأمین اهداف سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران استفاده خواهد کرد، به‌گونه‌ای که بایدن از تحریم‌های حقوق بشری برای گرفتن امتیاز در موضوع هسته‌ای، برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران بهره می‌گیرد. (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۳۷ / ۹۰)

تهدیدهای اجتماعی آمریکا در دوران جو بایدن در قالب حقوق بشر معطوف به موضوعات و همچنین قالب‌های هویتی است. اگر آمریکا بتواند از طریق ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی خود زمینه فرسایش هویت انقلابی را به وجود آورد، شرایط برای گسترش تهدیدهای نرم‌افزاری در آینده فراهم خواهد شد. این تهدیدها ممکن است ماهیت اجتماعی داشته و معطوف به «امنیت اجتماعی» در ایران گردد. اگر بایدن بتواند از طریق دیپلماسی عمومی زمینه دگرگونی در قالب‌های هویتی و سیاسی ایران را به وجود آورد، تهدیدهای آمریکا فراگیر خواهد شد. (شمولی و باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۰: ۵۵ / ۳) یکی از اقدام‌های به ظاهر حقوق بشری که بایدن در سال گذشته به کار گرفت، حمایت از ناآرامی‌هایی بود که

در جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاد. ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در نشستی با خبرنگاران در واشنگتن در آذرماه ۱۴۰۱ بیان کرد: «شجاعت مردم ایران، به ویژه زنان، دختران و جوانان ایرانی الهامبخش مردم جهان است». وی مدعی شد: «ما در کنار مردم ایران ایستاده‌ایم و به روشنگری درباره نقض حقوق بشر توسط مقامات ایران ادامه خواهیم داد». ند پرایس با اشاره بر متمرکز شدن ایالات متحده آمریکا بر ناآرامی‌های ایران تأکید کرد «ما بر حمایت از معترضان در سراسر ایران و پاسخگو کردن مقاماتی که مسئول سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات هستند، متمرکز هستیم». کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا نیز قطعنامه‌ای در حمایت از اغتشاشات و آشوب‌ها در ایران تصویب کرد که در این قطعنامه، از دولت جو بایدن خواسته شد به بهانه نقض حقوق بشر و در حمایت از اغتشاشات تحریم‌های جدیدی علیه مقامات و نهادهای ایرانی اعمال کند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱/۹/۱۷)

چهار. تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران

از نظر بایدن و تیم سیاست خارجی او، مهار و محدودسازی نفوذ منطقه‌ای ایران جزئی از فرایند کنترل تسلیحاتی ایران است که باید درباره آن مذاکره کرد. از این رو، مذاکرات منطقه‌ای یکی از عناصر سیاست بایدن در قبال ایران است. بایدن آشکارا بیان کرده که با استفاده از اهرم دیپلماسی فعال و اجماع‌سازی بین‌المللی حول سیاست آمریکا در قبال ایران، به‌طور مؤثرتری با رفتار مضر و مخرب و فعالیت بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه مقابله می‌کند تا آن را به عقب براند. مواضع مقام‌های آمریکایی از آن حکایت دارد که سیاست آمریکا بر الگوی مذاکراتی مستقل - مرحله‌ای - موازی با حضور ایران و کشورهای منطقه‌ای و حمایت گروه ۵+۱ استوار است. از این رو، مذاکرات منطقه‌ای پیش‌شرط یا شرط مذاکرات و توافق هسته‌ای - موشکی نیست؛ ولی به عنوان مذاکره خط ۲ به موازات آن تعقیب می‌شود. (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۴۷ / ۹۰)

به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست مهار دولت بایدن در برابر ایران، معطوف به براندازی و تغییر رژیم در ایران نیست، اگرچه این امر حاصل شود، مقامات آمریکا خشنود خواهند شد، اما می‌دانند که تحقق آن برای این کشور مستلزم هزینه‌های سنگین است؛ بنابراین ترجیح می‌دهند با تأکید بر دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی تغییر رفتار را دنبال نمایند. به عبارت دیگر، سیاست تغییر رفتار هزینه محدودی برای آمریکا دارد و از سوی دیگر، توان اقتصادی و راهبردی ایران را در طولانی مدت کاهش می‌دهد. چنین روندی به منزله مقابله غیرمستقیم محسوب می‌شود.

وجه تشابه سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران

نوع تفکر راهبردی ایالات متحده آمریکا به ایران از شروع انقلاب اسلامی تاکنون با نشانه‌هایی از چالش، مقابله و افزایش بحران همراه بوده است. زمامداران ایالات متحده هرگونه تلاش جمهوری اسلامی برای هویت‌یابی و دستیابی به قدرت موازنه در حوزه منطقه‌ای را تهدیدی علیه خود تلقی می‌کنند. این ادارک زیرساخت بسیاری از سیاست‌ها و رویکردهای امنیتی آمریکا در برخورد با ایران محسوب می‌شود (متقی، ۱۳۸۹: ۱۴ / ۶) از دید بخش قابل توجهی از نخبگان مؤثر و تصمیم‌ساز آمریکا، چالش ایالات متحده با جمهوری اسلامی فقط سیاسی نیست بلکه ریشه‌ای عمیق‌تر دارد. ریشه این نگاه به احیای «اسلام سیاسی» انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد که بسیاری از اندیشمندان جهان نیز بر آن تأکید دارند. جان اسپوزیتو، استاد برجسته امور بین‌الملل و مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون، در این باره می‌نویسد: «انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران نماینده بارز گفتمان «اسلام سیاسی» است. این انقلاب بسیاری از مسائل مرتبط با بیداری اسلامی معاصر از قبیل ایمان، فرهنگ، قدرت و سیاست را در بر می‌گیرد. در انقلاب اسلامی بر مفاهیمی چون هویت، اصالت فرهنگی، مشارکت سیاسی و عدالت اجتماعی، نفی غرب‌گرایی، استبداد حکومتی، فساد و توزیع نامتوازن ثروت تأکید می‌شود. ایران آیت‌الله خمینی تبدیل به منبع و کانون ترس از اسلام انقلابی شد که تهدیدی برای حکومت‌های غرب به حساب می‌آمد.» (اسپوزیتو، ۱۳۹۲: ۱۱۱)

آمریکا تنها کشوری است که رسماً اعلام کرده رهبری کل جهان را حق مسلم خود می‌داند و برای حفظ این رهبری از هیچ اقدامی در هیچ سطحی دریغ نمی‌کند. (ثابتی‌منفرد و نجفی، ۱۳۹۹: ۶۰ / ۱۱۲) به باور برمن و همکارانش «در مبارزه [آمریکا] برای سلطه بر دل‌ها و فکرها، هیچ میدان جنگی مهم‌تر از [جنگ با] جمهوری اسلامی ایران نیست؛ [کشوری] که کانون فکری و سیاسی اسلام شیعی جهانی است.» (Schadler, Kian & Berman, 2007: 33)

برجسته بودن نام ایران و ضرورت مقابله با قدرت و نفوذ آن در منطقه خاورمیانه، همواره در اسناد راهبردی دولت‌های مختلف ایالات متحده به چشم می‌خورد. بنابراین دونالد ترامپ و جو بایدن نیز همچون سیاستمداران قبلی آمریکا، ایران را به عنوان تهدیدی برای منافع ملی آمریکا دانسته و مقابله و مهار آن را یکی از ضرورت‌های سیاست خارجی خود قرار داده‌اند.

ترامپ در اولین سند امنیت ملی خود از ایران به عنوان «اصلی‌ترین حامی تروریسم» یاد کرد. در این سند اشاره شده بود: «ایران، به تداوم چرخه خشونت در خاورمیانه ادامه می‌دهد». همچنین تأکید کرده بود: «ما با شریکانمان برای مسدود کردن تمامی مسیرهای ایران به سمت سلاح‌های هسته‌ای و خنثی‌سازی نفوذ مخرب ایران همکاری خواهیم کرد.» (The White House, 2017) جو بایدن نیز در

سند موقت راهبرد امنیت ملی، اعلام کرد ایران به دنبال توانمندی‌های تحول‌آفرین است و واشنگتن نیز متعهد است تا با اقدامات تهران مقابله کند. در بخش «چشم‌انداز امنیت جهانی» این سند، ادعا شده که ایران و کره‌شمالی به عنوان بازیگران منطقه‌ای، به پیگیری توانمندی‌ها و فناوری‌هایی خود ادامه می‌دهند. در قسمت «اولویت‌های امنیتی ما» در این سند، با تأکید بر تعهد خود به حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، آمده است: «ما با شرکای منطقه‌ای خود تلاش می‌کنیم تا با ستیزه‌جویی ایران و تهدیدهای آن برای تمامیت ارضی و حاکمیتی مقابله کنیم». در ادامه سند ادعا شده است: «ما در همکاری با شرکا و متحدان خود، تلاش می‌کنیم از دیپلماسی برای رسیدگی کردن به برنامه هسته‌ای ایران و دیگر فعالیت‌های ثابت‌زدای آن استفاده کنیم». این سند همچنین با تأکید بر اینکه آمریکا دیگر نمی‌خواهد در «جنگ‌های بی‌پایانی» دخیل باشد که منجر به از دست رفتن جان هزاران نفر و تریلیون‌ها دلار هزینه می‌شود، مدعی شد: «در خاورمیانه، ما حضور نظامی خود را به سطح مناسبی که شبکه‌های تروریستی بین‌المللی را مختل کرده، با ستیزه‌جویی ایران مقابله نموده و منافع حیاتی آمریکا را حفظ کند، تغییر می‌دهیم. (The White House, 2021)

بنابراین توجه و تأکید بر جمهوری اسلامی ایران در اظهارات و اسناد راهبردی ترامپ و بایدن به عنوان تهدید برای ایالات متحده، بیانگر وجه تشابه در سیاست خارجی آن دو رئیس‌جمهور نسبت به جمهوری اسلامی ایران است.

مقایسه سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال ج.ا. ایران

تشابه	تفاوت			دوره
	شاخص	مؤلفه	ابعاد	
تهدید و چالش بودن ایران برای منافع آمریکا و ضرورت مقابله با آن	ایران‌هراسی و بازسازی تصویر اهریمنی از ایران	فشار حداکثری	تغییر نظام	ترامپ
	خروج از برجام			
	تحریم‌های اقتصادی همه‌جانبه			
	تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی			
مقابله با آن	ترور شهید سلیمانی	رویکرد تعاملی	تغییر رفتار	بایدن
	تأکید بر دیپلماسی			
	سیاست گام به گام			
	تأکید بر حقوق بشر			
	تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران از طریق مذاکره			

نتیجه

این مقاله به بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران با هدف تعیین وجه تفاوت و شباهت سیاست خارجی دو رئیس‌جمهور انجام شد. تهدید بودن جمهوری اسلامی ایران برای منافع ایالات متحده آمریکا و ضرورت مقابله و مهار آن، مهم‌ترین وجه تشابه سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران بوده که در اسناد راهبردی، مواضع اعلامی و گفتارهای هر دو رئیس‌جمهور و اطرافیان آن‌ها به این مهم اشاره شده است، البته این موضوعی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بین سیاستمداران و نخبگان تأثیرگذار آمریکا مطرح بوده و تلاش جمهوری اسلامی ایران برای هویت‌یابی و دستیابی به توانمندی‌ها در حوزه‌های مختلف را تهدیدی علیه خود قلمداد کرده‌اند.

وجه تفاوت در سیاست خارجی دو رئیس‌جمهور در رویکرد مقابله‌ای آن دو مشهود بوده است. در دوره ترامپ، ایران بیش از گذشته در سیاست‌های امنیتی آن مورد توجه قرار گرفت و سیاست فشار حداکثری با هدف تغییر نظام در دستورکار قرار گرفت، ایران‌هراسی و امنیتی‌سازی از ایران که در مواضع اعلامی ترامپ مطرح می‌شد اقدامی بود که وی با دامن زدن به آن، زمینه و بستر را برای اجرای سیاست‌های خود فراهم می‌کرد. مهم‌ترین اقدامی که ترامپ انجام داد، خروج از برجام و بازگشت تحریم‌ها بود که در کنار تحریم‌های گذشته، تحریم‌های جدیدی وضع شد. ترامپ در ادامه رویکرد فشار حداکثری خود با هدف تغییر نظام، تلاش کرد با تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از نفوذ منطقه‌ای ایران در منطقه بکاهد که عدم موفقیت این سیاست موجب شد ترامپ یک اقدام مهم تروریستی را در منطقه انجام داده و سردار سلیمانی را که عامل اصلی گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه بود را ترور کرد. ترامپ همه این سیاست‌ها را با هدف تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت ولی نتیجه‌ای نگرفت. با روی کار آمدن بایدن، به نظر می‌آید تغییری در رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت و بایدن نسبت به ترامپ رویکرد متعادل‌تری را در پیش گرفته و به جای سیاست تغییر نظام، سیاست تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران را در دستورکار قرار داده است. مهم‌ترین وجه این سیاست، تأکید دولت بایدن بر اهمیت دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی در حل موضوعات مرتبط با جمهوری اسلامی ایران بود و با وجود اینکه با انجام چندین دور مذاکره، اقدام خاصی برای بازگشت به برجام از سوی دولت بایدن انجام نشد، ولی کماکان بر اهمیت دیپلماسی تأکید می‌شود.

به هر حال، آن چیزی که مشهود است، تهدیدات آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران نه تنها جنبه

تقلیلی نداشته، بلکه با گذشت زمان جنبه انباشتی داشته و نیاز است برای کاهش تأثیر این تهدیدات اقدام‌های مؤثری بکار گرفته شود که موارد زیر در این خصوص پیشنهاد می‌گردد:

- وحدت و انسجام ملی باید تقویت شود و در این خصوص ارتقاء وضعیت دموکراسی، حقوق بشر، از بین بردن شکاف‌های طبقاتی، شکاف‌های قومی و مذهبی باید مورد توجه قرار گیرد.

- اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی که مخالف یک‌جانبه‌گرایی آمریکا هستند با در نظر گرفتن منافع ملی مورد توجه قرار گیرد.

- جمهوری اسلامی ایران در کنار تأکید بر ارزش‌های فکری و فرهنگی، از ظرفیت‌های سخت و خصوصاً از توانمندی‌های اقتصادی بالایی برخوردار باشد. تکیه صرف بر قدرت نرم بدون پشتوانه مادی و قدرت سخت نمی‌تواند ضامن خوبی برای مقاومت و مقابله با تهدیدات آمریکا باشد.

- اقتصاد مقاومتی با هدف بستن منفذهای آسیب‌پذیری اقتصاد کشور، کاهش وابستگی به نفت، توانمندسازی بخش خصوصی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، مدیریت درست منابع ارزی و استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. اسپوزیتو، جان، ۱۳۹۲، *جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران، نشر نی.
۲. پورسعید، فرزاد و مهدی شاپوری، ۱۳۹۷، «دولت ترامپ و شوروی‌سازی جمهوری اسلامی ایران، چرایی و چگونگی» *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۲۱، ش ۳، ص ۱۰۲-۵۷.
۳. تاجیک، هادی، ۱۴۰۱، «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت‌های باراک اوباما، دونالد ترامپ و جو بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، سال ۴، ش ۱۱، ص ۳۷-۹.
۴. ثابتی منفرد، امیرحسین و موسی نجفی، ۱۳۹۹، «چالش تمدنی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا با تأکید بر نظریات کیسینجر، هانتینگتون و فوکویاما»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۱۷، ش ۶۰، ص ۱۱۲-۹۳.
۵. حاجیانی، ابراهیم و احسان کیانی، ۱۴۰۱، «آینده مواجهه ایران و آمریکا در دولت بایدن»، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*، س ۷، ش ۲۴، ص ۲۹-۷.
۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱/۹/۱۷، *فوق‌زدگی آمریکا از تداوم ناآرامی‌ها و تکرار ادعای حمایت از ایرانیان*، www.iran.ir.

بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران □ ۱۷۱

۷. خداوردی، حسن و علی اصغر غفاری چراتی، ۱۳۹۹، «تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ در قبال ایران از منظر تحلیل لایه‌ای علت»، *فصلنامه مطالعات بین‌الملل*، س ۱۳، ش ۵۱، ص ۴۵ - ۹.
۸. رادفر، فیروزه و سید جلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹، «سیاست خارجی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۲۳، ش ۹۰، ص ۲۵۲ - ۲۲۵.
۹. رحمانی، سید علی اصغر؛ حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی و اردشیر سنائی، ۱۴۰۱، «مقایسه راهبردهای آمریکا در دوران اوباما و ترامپ جهت تغییر رفتار یا تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، س ۱۲، ش ۱، ص ۱۰۶ - ۸۳.
۱۰. زندی، فرزین، ۱۴۰۰، «ابزارهای ایالات متحده آمریکا برای تحدید قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، س ۵، ش ۱۶، ص ۲۱۸ - ۱۹۷.
۱۱. شمولی، همت‌الله و علی باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۰، «راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در دولت جو بایدن؛ از سیاست ژئوپلیتیک‌زدایی تا مشروعیت‌زدایی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا*، س ۱، ش ۳، ص ۱۴۷ - ۱۲۵.
۱۲. متقی، ابراهیم، ۱۳۸۹، «ارزیابی مقایسه‌ای تهدیدهای آمریکا در برخورد با ایران (۲۰۱۰ - ۲۰۰۱)»، *فصلنامه آفاق امنیت*، س ۳، ش ۶، ص ۳۰ - ۷.
۱۳. مزدخواه، احسان؛ سمیه حمید و پیمان زنگنه، ۱۴۰۱، «گذار از بلوغ تقابل به الگوی تعامل نئولیبرال؛ تأملی مقایسه‌ای به سیاست خارجی ترامپ و بایدن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا*، س ۲، ش ۱، ص ۷۱ - ۴۱.
۱۴. مسعودی، حیدرعلی، ۱۳۹۹، «جو بایدن و رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، س ۱۱، ش ۶۴، ص ۱۲۲ - ۹۵.
۱۵. نجاتی، محمدحسین و محمد محمدی، ۱۳۹۸، «سیاست آمریکای ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران و توافقات بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی*، س ۲، ش ۸، ص ۱۵۹ - ۱۳۱.
۱۶. نوری، علیرضا، ۱۳۹۸، «مفاهیم مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و آمریکا، تأثیر و پیامدها برای ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، س ۸، ش ۲، ص ۲۹۰ - ۲۴۷.
۱۷. یزدان‌فام، محمود، ۱۳۹۵، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۱۹، ش ۷۴، ص ۱۶۴ - ۱۳۹.

۱۸. یزدان‌فام، محمود، ۱۳۹۶، «راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها»، *فصلنامه*

مطالعات راهبردی، س ۲۰، ش ۷۶، ص ۱۸۴ - ۱۷۹.

19. Biden, Joe, 2020, "Biden interview with Thomas Friedman", CNN, USA. Available online at https://www.nytimes.com/2020/12/02/opinion/biden_interview_mcconnell_china_iran.html.
20. Blinken, Antony, 2016, "Multilateral Diplomacy in the Modern World", A Conversation with Tony Blinken: https://www.cfr.org/event/multilateral_diplomacy_modern_world_conversation_tony_blinken.
21. Burns, William, 2019, *The Back Channel: A Memoir of American Diplomacy and the Case for Its Renewal*, New York: Random House.
22. Cox, Michael and Doug Stokes, 2018, *US Foreign Policy*, Oxford University Press.
23. Dubowitz, Mark, March 23, 2017, "The Delusion of the Iran Nuclear Deal", *The Wall Street Journal*.
24. Entessar, N & Afrasiabi, K, 2019, *Trump and Iran: From Containment to Confrontation*, New York & London, Lexington Books.
25. Friedman, Thomas, 2020, Dear Joe, It's Not about Iran's Nukes Anymore, https://www.nytimes.com/2020/11/29/opinion/iran_biden_nuclear_scientist.html.
26. Gates, R. M., 2009, "A Balanced Strategy: Reprogramming the Pentagon for a New Age", *Foreign Affairs*, Vol. 180, No. 4, p. 12_40.
27. Pompeo, Michael, 2018, "Confronting Iran: The Trump Administration's Strategy", *Foreign Affairs*.
28. Schadler, Robert A, Kian. Bijan R. and Berman, Ilan, 2007, *Getting Outreach Right, in: Taking on Tehran: Strategies for Confronting the Islamic Republic*, Lanham, MD: Lexington Books.
29. Soufan, Ali, 2018, "Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy", *Combating Terrorism Center*, November, Vol. 11, Issue 10.
30. Tausig, Torrey, 2021, "U. S. Foreign Policy in 2021: Five Priorities for a Progressive Transatlantic Agenda", *Journal Domestic & International* (Dis) Order, 2 (1), p. 154 – 169.
31. The White House, 2017, *The National Security Strategy of The United States of America*.
32. The White House, 2021, "Interim National Security Strategic Guidance", *The White House. Gov*, March 2021. Available at: https://www.whitehouse.gov/wp_content/uploads/2021/03/NSC_1v2.pdf United States.
33. United States Institute of Peace (USIP), 2020, *Biden Foreign Policy Team on Iran*, https://www.usip.org/events/joe_bidens_tough_challenges_iran.
34. Zainulbhai, Hani, Richard Wike, 2015, *Iran's Global Image Mostly Negative*, Washington, DC: PEW Research Center.